

به نام خدا

مروجین کشاورزی و فداکاری های ایشان در جریان اصلاحات ارضی

دکتر عباس نوروزی

عضو هیأت علمی مرکز آموزش عالی امام خمینی

مقدمه

بدون تردید اصلاحات ارضی را باید یکی از مهم ترین اتفاقات یک صد سال اخیر ایران قلمداد کرد. تحولی که به صورت گسترده با روی کار آمدن دولت دکتر امینی در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ و به همت وزیر کشاورزی کابینه وی مرحوم دکتر ارسنجانى آغاز و تا نزدیک به یک دهه ادامه یافت. اگرچه عمر دولت دکتر امینی کوتاه^۱ و وزیر کشاورزی دولت وی نیز فقط نزدیک به دو سال در دولت باقی ماند^۱، اما، در جایگاه تعیین کننده دکتر ارسنجانى در این مهم کمتر تردیدی وجود دارد. در جریان اصلاحات ارضی کارکنان وزارت کشاورزی به ویژه در رده های میدانی و به خصوص مروجین کشاورزی ایثار و فداکاری زیادی را از خود به نمایش گذاشتند تا به صاحب زمین شدن رعایای صاحب نسق کمک نمایند.

ممکن است برخی از صاحب نظران با اشاره به گرفتاری های مبتلابه کشور پس از اصلاحات ارضی و از جمله وابستگی کشور به محصولات مختلف کشاورزی و سیل گسترده مهاجرت های روستایی اصلاحات ارضی را تحولی منفی و کارگزاران درگیر در آن را هم فاقد هر گونه ارزش گذاری خدمتی تلقی نمایند. اما، فارغ از نتایج مثبت و منفی مترتب بر اصلاحات ارضی نمی توان خدمت افراد گمنامی را که با اخلاص تمام کمر همت به انجام آن بستند، نادیده گرفت. ضمن آن که این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که اصلاحات ارضی در یکی دو سال آغاز آن در مسیر درستی حرکت کرد و بعد همچون بسیاری دیگر از برنامه های توسعه کشور دچار انحراف شده و به بیراهه رفت.

ناگفته هایی از اصلاحات ارضی

گزارش شادروان منوچهر خلخالی مجری اصلاحات ارضی در منطقه مراغه که برنامه اصلاحات ارضی از آنجا شروع شد و در حضور شاه ارائه گردید، حکایت از پاره ای فعالیت های خارج از عرف دارد که شاید در کمتر منابع نگاهشته شده در مورد اصلاحات ارضی به آنها اشاره شده باشد. به عنوان مثال می توان به فعالیت دفاتر اسناد رسمی در خارج از ساعات اداری به منظور تسریع فرآیند انتقال اسناد مالکیت اراضی تقسیم شده از مالکین به دولت و متعاقباً از دولت به رعایا اشاره کرد. به طوری که مطابق گزارش فوق "اولین املاک مازاد ساعت "دو بعد از نیمه شب روز جمعه" ۱۱ اسفند [سال ۱۳۴۱] در دفترخانه رسمی شماره ۷ مراغه به دولت منتقل و ساعت ۱۴/۳۰ روز ۱۷ اسفند اولین سند انتقال به زارعین وسیله جناب آقای وزیر کشاورزی در مراغه امضا گردید (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۹). این فعالیت غیر متعارف که به عنوان نمونه در بالا مورد اشاره قرار گرفت، اثر هم افزایی بر کارکرد سایر مجریان و دست اندرکاران برنامه داشت، تا جایی انجام امور خارج از عرف و نظام اداری کشور را ممکن می ساخت.

از دیگر ناگفته ها در مورد اصلاحات ارضی باید از حقیقت عدم دریافت حقوق توسط دکتر ارسنجانی به عنوان تنها وزیر کابینه دکتر امینی که این گونه بود، نام برد که در شماره مورخ ۱۱ بهمن سال ۱۳۴۱ مجله روشنفکر مورد تأکید قرار گرفته بود (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۵۴۲).

اصلاحات ارضی و موقعیت وزارت کشاورزی و کارکنان آن

نکته مهمی که در جریان اصلاحات ارضی نباید از آن غافل گشت، نقش اصلاحات ارضی در ترفیع موقعیت وزارت کشاورزی در دولت و کارکنان آن در میان کارکنان دولت است. به عبارت دیگر، به نظر می رسد که وزارت کشاورزی و کارگزاران آن در رده های مختلف آن قدر در این جریان خوش درخشیدند و آثار به یاد ماندنی از خود به جا گذاشتند که متمایز از سایر کارکنان حقوق بگیر دولت شدند.

در این مورد نورالدین ارسنجانی به نقل قولی از دکتر بهزادی از کتاب "شبه خاطرات" وی می پردازد که در خور توجه است. وی در مورد آثار وزارت دکتر ارسنجانی می گوید: "ارسنجانی خود را مدافع زارعان معرفی کرده بود، وزارت کشاورزی وزارت خانه سوگلی دولت شده بود و کارمندان آن هم سوگلی کارمندان دولت شده بودند" (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴).

همچنین، اسداله علم که خود مدتی در کسوت وزیر کشاورزی خدمت کرده بودⁱⁱ در خاطرات خود این چنین نگاهشته است: "ارسنجانی زمانی از کار بر کنار شد که توانسته بود وزارتخانه بی ارزش کشاورزی را به صورت مرکز قدرت و فعالیت مملکت در آورد (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۵۳۵).

شاهد دیگر بر موقعیت ستودنی وزارت کشاورزی و کارکنان آن در آن سال ها را می توان در اظهارات دکتر شهبازی که خود از نزدیک شاهد و ناظر و درگیر در موضوع در منطقه ای دیگر از کشور بود، یافت. وی در این مورد با اشاره به مخدوش شدن جنبه آموزشی فعالیت های کارکنان ترویج می گوید: "خیلی از کسانی که در ترویج چه در سطوح کارشناسی و چه در سطوح مروجی کار می کردند، وارد اصلاحات ارضی شدند و در اصلاحات ارضی تقریباً ۹۰ درصدشان خوب عمل کردند و شاخص شدند، به طوری که تعدادی از کارشناسان ترویج که به خدمت اصلاحات ارضی درآمده بودند در اولین انتخابات مجلس شورای ملی آن زمان که پس از اصلاحات ارضی برگزار شد^v، نماینده مجلس شدند" (نوروزی، ۱۳۸۸، صص ۵۱-۵۰).

جایگاه ترویج در اصلاحات ارضی

به نظر می رسد که برخورداری نهاد سازمانی ترویج از وجود مروجین کشاورزی که قریب یک دهه در سطح روستاها در حال آموزش دادن به روستائیان و کشاورزان بودند و دارای تجربه لازم در کسب وجهه و اعتبار نزد روستائیان بوده و یا لاقلاً طریقه برقراری ارتباط با کشاورزان را می دانستند را باید مهم

ترین عامل دخالت ایشان در اصلاحات ارضی قلمداد کرد. ضمن آن که وجهه و اعتبار آنها در نزد مخاطبانشان می توانست به تسهیل و تسریع عملیات اصلاحات ارضی کمک نماید. اما، از یک نکته در تعریف نقش جدی برای مورجین کشاورزی در این مهم نباید غافل ماند و آن هم نقش خواسته یا ناخواسته مدیر کل وقت سازمان ترویج کشاورزی است. در این مورد نورالدین ارسنجانی (برادر مرحوم دکتر ارسنجانی) به نقل از رهبر می گوید:

" بنابراین در همان اول اشتغال به وزارت به چهار نفر از صاحب منصبان وزارت کشاورزی مأموریت داد تشکیل جلسه داده و قانون مصوب مجلسین را مطالعه و در آن تجدید نظر و اشکالات اجرایی آن را مرتفع و نظریات وزیر کشاورزی جدید را به خصوص در قسمت شرکت های تعاونی و ایجاد تشکیلاتی به منظور جانشینی مالکانی که ملکشان تقسیم می شود، در آن ملحوظ دارند. مرحوم مهندس ارفع، مدیر عامل وقت سازمان جنگل، مهندس امیر پرویز، مدیر کل اقتصاد وزارت کشاورزی، مرحوم مهندس گلسرخی^۷، مدیر کل وقت سازمان ترویج کشاورزی و من [رهبر] که در آن زمان مدیر بنگاه خالصجات بودم، برای این کار انتخاب شدیم. نظریات و تغییراتی که اساسی و مهم بود به نظر دکتر ارسنجانی می رسید و گاهی هم ایشان در جلسه شرکت می کردند" (ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۴۳۳). به این ترتیب با حضور مدیر کل سازمان ترویج کشاورزی می توان ایفای وظیفه جدی از سوی مروجین کشاورزی را انتظار داشت.

مصائب مترتب بر حضور مروجین کشاورزی در اصلاحات ارضی

با شروع اصلاحات ارضی در ایران قریب به یک دهه از تأسیس سازمان ترویج کشاورزی در ایران می گذشت. متخصصان ترویج کشاورزی در ایران بر این باور هستند که دهه ۱۳۳۰ دوران طلایی ترویج کشاورزی در ایران است، چرا که در این مقطع مروجین کشاورزی فارغ از امور اجرایی به آن چه باید می

پرداختند که همانا آموزش و ارشاد کشاورزان باشد، مشغول بودند. نکته ای که در این مورد باید مورد توجه قرار گیرد، غالب بودن نظام ارباب - رعیتی بر کشاورزی کشور است. در توضیح بیشتر باید گفت که به دلیل روابط حسنه بزرگ مالکان و حاکمیت و یا حتی حضور عمده مالکان در حاکمیت در قالب نماینده مجلس و مدیران ارشد دولتی و عدم مغایرت فعالیت مروجین کشاورزی با منافع این عده، آنها نه تنها مانعی پیش روی کارکرد مروجین کشاورزی نبودند، بلکه احتمالاً تسهیل کننده نیز بودند.

اما، با شروع اصلاحات ارضی این دو گروه ناگزیر از مقابل یکدیگر ایستادن بودند. به عبارت دیگر، از مروجین توقع کاری می رفت که در نهایت منافع بزرگ مالکان را به مخاطره می انداخت. این امر بر صعوبت و دشواری آنچه که از مروجین در جریان اصلاحات ارضی انتظار می رفت و حتی وظایف متعارف آنها که مشاوره و راهنمایی کشاورزان بود، می افزود و شرایط سختی را به ایشان تحمیل می کرد. در این مورد ارسنجانی با نقل قولی از مخبر روزنامه اطلاعات شرایط کاری مروجین در منطقه مراغه که اصلاحات ارضی در اسفند سال ۱۳۴۱ از آنجا آغاز شده بود را این گونه توصیف می کند:

"مأمورین ترویج دهکده ها را به معنی درست کلمه فتح کرده اند. آنها را نخست به ده راه نمی دادند. مأمورین دولتی از فکر فرستادن آنها به ده هراسان بودند، مبدا نظم را بر هم زنند... مالکان که حتی حاضر نیستند که راهی به دهکده ملکیشان کشیده شود از راه یافتن این نمایندگان زندگی نوین به درون تیرگی ده دلخوش نبودند. مردم ده از ترس مالک با بی خبری آنها را طرد می کردند. بسیاری از مأمورین ترویج تا مدت ها پناهگاهی جز قهوه خانه یا مسجد و در یکی دو مورد حتی گروستان نداشتند. یکی از آنها (آقای اردبیلی) پس از آنکه در گورستان ده بر جسد مرده ای نماز میت گذاشت، اندک اندک اعتماد مردم را جلب کرد. دیگری (آقای حق نظر) پس از یک هفته کوشش بیهوده که در محیط خصمانه و

ناموفق به سردفتر ده پناه برد، مراتب دینداری خود را بر او عرضه داشت، یک مجله مذهبی را که مشترک است و همراه خود دارد، به او نشان داد و از احساسات دینی او استمداد کرد. بعضی دیگر داروهایی با خود می بردند و به یاری روستائیان بیمار می شتافتند. آن گاه مقاومت رعایا اندک اندک تخفیف می یافت. مأمورین ترویج را در چهره واقعی آنان، مردم ساده و خوش نیت یا از قبیل خود ساکنان ده ها می شناختند، به اندرز آنان توجه می کردند و روح همکاری در ده زنده می شد" (ارسنجان، ۱۳۷۹، ص ۴۷۸).

نقش تعیین کننده مروجین کشاورزی در اصلاحات ارضی مورد توجه و تأیید وزیر کشاورزی نیز قرار گرفته بود. ارسنجان در این مورد می گوید: "اما، پیش از خلخال و قبل از اینکه من به این منطقه [مراغه] بیایم و امید زیادی به اجرای قانون در این منطقه پیدا کنم، سربازهایی را فرستادیم که این جبهه را به عنوان اولین سنگر فتح کردند. این سربازان راستین مروجین کشاورزی بودند که برای ورود به دهات ماجراها داشته اند. راهشان نمی دادند، اذیت و آزارشان می کردند، اهانت می کردند و دست آخر تهدیدشان می کردند. آنها درست مانند سرباز که هدفش روشن است در ناگوارترین وضع ایستادند، مقاومت کردند، فداکاری کردند، جان کنندند. در سرما و گرما با پای پیاده ده ها بار بین دهات را طی کردند تا برای نفوذ به ده راهی را پیدا کنند" (ارسنجان، ۱۳۷۹، ص ۴۲۶).

سخن پایانی

در این که زمانه عوض شده است، تردیدی نیست. شاید توقعی بعید و دور از انتظار باشد که منتظر باشیم که مروجین امروزی آن تلاشی را که در جریان اصلاحات ارضی به نمایش گذاشتند، دگر بار انجام دهند. اما، امیدوار هستیم که مدیران ارشد وزارت جهاد کشاورزی دارای آن چنان ظرفیتی بوده که قادر باشند فعالیت هایی درخور توجه را برای کارکنان خود تعریف نموده که موقعیتی همچون همکاران خود

در ۴۰ سال گذشته را بتوانند کسب نموده و از اینکه حقوق بگیر و کارمند وزارت جهاد کشاورزی هستند، بر خود بیالند.

منابع و مأخذ

- ارسنجانی، نورالدین. (۱۳۷۹). دکتر ارسنجانی در آئینه زمان. تهران. انتشارات قطره. ۵۹۲ صفحه.
- نوروزی، عباس. (۱۳۸۸). تاریخ شفاهی ترویج کشاورزی در ایران. گفتگو با دکتر اسماعیل شهبازی. مشهد. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۲۰۷ صفحه.

پی نوشت ها

-
- ⁱ دولت دکتر امینی از اردیبهشت ۱۳۴۰ لغایت تیر ۱۳۴۱ به مدت ۱۴ ماه بر سر کار بود.
- ⁱⁱ دکتر ارسنجانی ۱۴ ماه در دولت دکتر امینی و ۸ ماه در دولت اسداله علم (مجموعاً ۲۲ ماه) وزیر کشاورزی کشور بود (اردیبهشت ۱۳۴۰ تا اسفند ۱۳۴۱).
- ⁱⁱⁱ اسداله علم به مدت ۴ ماه (اسفند ۱۳۲۸ لغایت تیر ۱۳۲۹) در کابینه های محمدساعد مراغه ای و رجب علی منصور وزیر کشاورزی ایران بود.
- ^{iv} منظور دوره ۲۱ مجلس شورای ملی است که پس از دو سال و تقریباً ۵ ماه فترت، در مهر ۱۳۴۲ افتتاح و در مهر ۱۳۴۶ خاتمه یافت.
- ^v مهندس ناصر گل سرخی که در جریان اصلاحات ارضی معزول و به جای وی مهندس موسی فکری به سمت مدیر کل سازمان ترویج کشاورزی منصوب شد (نقل از تاریخ شفاهی ترویج کشاورزی در ایران، ص ۵۱).